



بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر

میزان گذران اوقات فراغت

بیژن خواجه نوری

استادیار پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

علی اصغر مقدس

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مقدمه

تاثیر فعالیت‌های اوقات فراغت دوران بچگی و نوجوانی بر رفتارهای اوقات فراغت در دوران بزرگسالی بسیار مهم تلقی گردیده است (تامپسن و دیگران، ۲۰۰۳؛ فیلیپ ۱۹۹۸ و هامبر و دیگران ۲۰۰۶). علاقه به مطالعه درباره اوقات فراغت در نوجوانان و جوانان از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی در خارج از ایران شدت یافته است. (فیلیپ ۱۹۹۸؛ کالدول، اسمیت و ویزینگر ۱۹۹۳). این روند در دهه ۱۹۹۰ میلادی افزایش بیشتری یافت تا جایی که جنبه‌های مختلف تجربه اوقات فراغت جوانان را در بر گرفت (فیلیپ، ۱۹۹۸). از جمله می‌توان به فعالیت‌های اوقات فراغت منحرفانه (رابرستون، ۱۹۹۴)، فعالیت‌های اوقات فراغت و پیشرفت تحصیلی در دبیرستان‌ها (برگین، ۱۹۹۴)، فعالیت‌های اوقات فراغت شکل‌گیری هویت در جوانان (شاو و دیگران، ۱۹۹۵) مذاکره اجبارهای اوقات فراغت توسط جوانان (جکسیون و راک، ۱۹۹۵) و یا اعتماد به نفس جوانان و اجبارهای اوقات فراغت (جکسیون و راک، ۱۹۹۵؛ کی و جکسون ۱۹۹۱؛ مک میکینگ و پراکایاستا ۱۹۹۵؛ و رایمر و دیگران، ۱۹۹۴) اشاره کرد.

تحقیقات در خصوص اوقات فراغت در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران چندان گسترده و عمیق نیست. ایران دارای زمینه‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی، فرهنگی منحصر به فردی است و مهم است که تحقیقات مختلف، ابعاد گوناگون این موضوع را برای تعمیق دانش و فهم درباره آن بررسی کند. این تحقیقات می‌تواند برای سیاست‌های اوقات فراغت نقش مهم و سودمندی داشته باشد. همچنین فرض اینکه تحقیقات انجام شده در کشورهای توسعه‌یافته به تمامی بتواند به کشورهای در حال توسعه تعمیم داده شود، فرض اشتباهی است. از سوی دیگر از آنجا که ایران دارای ساختار جمعیتی جوانی است، مسائل جوانان در ایران در حال افزایش است. هدف این تحقیق مطالعه رابطه بین اوقات فراغت و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی شهرستان آبادیه بوده است. آبادیه یکی از شهرستان‌های استان فارس است که تاکنون مطالعه کافی درباره آن صورت نگرفته است. این شهر یکی از شهرهای با سابقه فرهنگی بالا در استان است که مطالعه بر روی اوقات فراغت جوانان در آن می‌تواند شناخت بهتری از جوانان و نوجوانان این شهرستان و رفتارهای اجتماعی آنان ارائه دهد.

پژوهش‌های علمی در مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



خارج و سپس تحقیقات داخلی پرداخته شده است. استودولسکا در مطالعه خود نشان داده است که انجام اوقات فراغت مشروط به پایگاه خاص خانوادگی و همچنین شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (استودولسکا، ۲۰۰۶). برخی مطالعات دیگر که توسط پژوهشگران بر روی دانش‌آموزان و یا

مروری بر پژوهش‌های پیشین
مطالعات انجام‌شده درباره اوقات فراغت در خارج از کشور فراوان است، اما در داخل کشور پژوهش‌های انجام شده محدود است و هنوز جای تحقیقات فراوان بر روی ابعاد مختلف این پدیده وجود دارد. در این قسمت در ابتدا به برخی تحقیقات عمده‌ی انجام‌شده در

سایر گروه‌ها انجام شده نیز نشان‌دهنده آن است که متغیرهای جمعیتی و پایگاه اجتماعی نقش مهمی در اوقات فراغت افراد دارد (هامبر و دیگران، ۲۰۰۶؛ واگنر ۲۰۰۶؛ شینو و دیگران ۲۰۰۴، فیلیپ ۱۹۹۸؛ شینو و دیگران ۱۹۹۵؛ سوزان ۱۹۹۵؛ فیتز جرال ۱۹۹۵؛ رایمر و دیگران، ۱۹۹۴).

یکی از نتایج مهم در تحقیقات این پژوهشگران تفاوت بین دو جنس در انجام اوقات فراغت و تأثیر اجبارهای اجتماعی مؤثر بر روی رفتارهای اجتماعی آن‌هاست. در مطالعه واگنر و همکارانش ملاحظه شد که به دلیل فقدان منابع اوقات فراغت برای برخی از گروه‌های اقلیتی، انجام فعالیت‌های اوقات فراغت سالم برای

طبقاتی و سن افراد تغییر می‌کند (لارابی، ۱۹۶۱). برخی از نتایج دیگر در تحقیقات انجام شده تأثیر عوامل اجتماعی همچون حمایت و کنترل خانواده و دوستان را در بهبود میزان مشارکت جوانان در فعالیت‌های بدنی مورد تأیید قرار داده‌اند (هامبر و دیگران، ۲۰۰۶؛ کالدول و دارلینگ، ۱۹۹۹). مطالعاتی دیگر رابطه بین مذهب و انجام فعالیت‌های اوقات

بیشتری برای تفریحات بیرون از خانه داشته‌اند (اسدی، ۱۳۴۷). محسنی در تحقیق خود مشاهده کرده که بیشترین اوقات فراغت دانشجویان در چارچوب خانواده صرف شده است. شکاف نسلی و تفاوت‌های جنسیتی در انجام فعالیت‌های اوقات فراغت از دیگر نتایج تحقیق وی بوده است (محسنی، ۱۳۵۲).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جوانان، محدود شده است. لذا بسیاری از جوانان وقت خود را در گروه‌های خارج از خانه و در خیابان‌ها سپری کرده‌اند (واگنر و دیگران، ۲۰۰۶). کلارک در تحقیق خود بین اوقات فراغت و منزلت شغلی رابطه معناداری خطی مشاهده کرده است (کلارک، ۱۹۵۶). وایت نیز درباره تمایزات طبقاتی و اوقات فراغت مشاهده کرد که تفاوت معناداری بین زنان و مردان در استفاده از اوقات فراغت وجود دارد. همچنین طبقات متوسط رو به بالا ساعات بیشتری را صرف اوقات فراغت می‌کنند. از سوی دیگر الگوی انجام اوقات فراغت نیز با تغییر بر پایگاه

فراغت را مهم یافته‌اند. (استودولسکا و لیگونگود، ۲۰۰۶؛ فرانک، ۲۰۰۶). در برخی از مطالعات دیگر بر نقش فناوری اطلاعاتی و ارتباطی در دگرگونی شیوه زندگی (که انجام فعالیت‌های اوقات فراغت بخشی از آن است) تأکید شده است (هلد، ۲۰۰۳؛ هاملینک، ۲۰۰۶). براین اساس این فناوری‌ها می‌توانند نحوه و میزان گذران اوقات فراغت جوانان را دگرگون کنند. اسدی در مطالعه خود در ارومیه معمول‌ترین شیوه گذران اوقات فراغت را بیرون رفتن از منزل یافته است. از سوی دیگر مشاهده شده است که مردان آزادی

کیال در مطالعه خود جنسیت، محل سکونت، تحصیلات پدر را در گذران اوقات فراغت دانشجویان تعیین‌کننده یافته است (کیال، ۱۳۵۶). سعیدیان و علیشاهی نیز در مطالعه خود بر روی کودکان و نوجوانان، تفاوت معنی‌داری در بین دو جنس به لحاظ فعالیت‌های مختلف اوقات فراغت مشاهده کرده‌اند (سعیدیان و علی‌شاهی، ۱۳۶۴). اسلامی با مطالعه درباره مردم تهران نتیجه گرفته است که آن‌ها بیشتر اوقات فراغت خود را به تماشای تلویزیون گذرانده‌اند (اسلامی، ۱۳۶۵). همین نتیجه را آقا در مطالعه خود بر روی گروهی از دانش‌آموزان به

دست آورده است همچنین وی تفاوت معنی‌داری بین دو جنس در خصوص استفاده از کالاهای فرهنگی مشاهده کرده است (آقا، ۱۳۶۷).

برازنده در مطالعه خود مشاهده کرد که نوع و میزان اوقات فراغت تحت تأثیر زمان و منابع در دسترس افراد است (برازنده، ۱۳۷۶). صالحی در مطالعه خود بر روی اوقات فراغت کارکنان شیلات استان گیلان دریافت که فعالیت‌های اوقات فراغت با تحصیلات و درآمد دارای رابطه‌ای معنی‌دار مثبت است (صالحی، ۱۳۷۷). فردرو نیز بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی، منطقه مسکونی، تحصیلات و مصرف کالاهای فرهنگی رابطه معنی‌داری مشاهده کرده است (فردرو، ۱۳۷۸). رجبی و آقا در مطالعه خود بر روی گذران اوقات فراغت دانشجویان شیرازی نتیجه گرفتند که جنس، پایه تحصیلی، محل تولد، وضع فعالیت و نوع شغل والدین، تحصیلات والدین، درآمد خانواده، تعداد فرزندان، وسایل گرم‌کننده و آموزنده در دسترس با اوقات فراغت رابطه مستقیم دارند (رجبی و آقا، ۱۳۶۹). عابدینی در مطالعه خود بین متغیرهای تحصیلات، درآمد، شغل، ذائقه و اوقات فراغت رابطه معنی‌داری یافته است؛ اما رابطه معنی‌داری بین مسکن و مذهب و اوقات فراغت مشاهده نکرده است (عابدینی، ۱۳۷۹).

تحقیقات بر روی ابعاد مختلف اوقات فراغت و عوامل مختلف مؤثر در آن در خارج از ایران هم سابقه طولانی دارد و دارای گستردگی زیادی است؛ اما تجربه مطالعاتی در خارج به تمامی قابل انطباق با ایران نیست و لازم است که در کشور ایران مطالعات گسترده‌ای بر روی این پدیده و گروه‌های مختلف اجتماعی صورت گیرد. از سوی دیگر مطالعات انجام شده بیشتر به برخی متغیرهای اجتماعی و جمعیتی متکی است و پا را از این متغیرها فراتر نگذاشته‌اند. از آنجا که در مسئله اوقات فراغت به خصوص در بین

جوانان عوامل کنترل اجتماعی همچون خانواده، مدرسه، دوستان، مذهب و مانند آن‌ها تأثیرات مهمی دارد و به این عوامل در تحقیقات انجام شده پیشین به وضوح اشاره نشده، لازم است مطالعات دیگری صورت گیرد تا تأثیرات این عوامل به طور دقیق‌تری مورد آزمون قرار گیرد.

چشم‌اندازهای نظری

مطالعات انجام‌شده بر روی اوقات فراغت در خارج از کشور فراوان است. در هر یک از مطالعات انجام شده عوامل خاصی مورد توجه بوده است. بسیاری از این مطالعات بین رشته‌ای هستند (جکسن، ۱۹۸۸؛ جکسن، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴؛ کرافورد جکسن و گدبی، ۱۹۹۱؛ جکسن و راکز ۱۹۹۵؛ کی و جکسن ۱۹۹۱).

با مروری بر مطالعات خارجی درمی‌یابیم که بر روی شرایط اثرگذار در اوقات فراغت تأکید شده و آن‌ها را به دو دسته از عوامل قبل از انجام اوقات فراغت و عوامل حین انجام اوقات فراغت تقسیم کرده‌اند. در این مجموعه از مطالعات برخی از پژوهشگران تأکید داشته‌اند که یک مدل سلسله‌مراتبی از عوامل سهیم در فعالیت‌های اوقات فراغت طراحی کنند (کرافورد، جکسن و گدبی، ۱۹۹۱؛ جکسن کرافورد و گدبی، ۱۹۹۳).

بر این اساس آن‌ها سه لایه درون شخصی، بین شخصی و ساختاری را در سلسله‌مراتب عوامل تشخیص داده‌اند. عوامل درون شخصی مانند اعتماد به نفس، عوامل بین شخصی مانند ناتوانی در یافتن یک دوست و در سطح ساختاری می‌توان عامل فقر را نام برد. روشن است که این عوامل رفع شدنی هستند. عوامل برشمرده در بالا، بر انجام مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت اثر می‌گذارد. اما برخی از عوامل دیگر مانند مذاکره می‌توانند در روند و جهت مشارکت اثر گذارند و اهداف مشارکت‌کنندگان در این فعالیت‌ها را تا حدودی تغییر دهند. (مک میکینگ و پورکاپاستا، ۱۹۹۵؛ کی و جکسن، ۱۹۹۱؛ جکسن و راکز، ۱۹۹۵).

مطالعاتی که موقعیت اجتماعی فرد توجه داشته‌اند بر این باورند که ساختارهای اجتماعی به خودی خود به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت افراد در فعالیت‌های اوقات فراغت عمل نمی‌کنند، بلکه بیشتر موقعیت فرد در این ساختارها عامل تأثیرگذار شمرده می‌شود (شاو و دیگران، ۱۹۹۱). برای مثال تجربیات فرد به عنوان یک فرد مستمند، سیاه یا سفید، پیر یا جوان، زن یا مرد هر کدام می‌تواند در دستیابی به خدمات و کالاهای تفریحی اثر بگذارد.

برخی دیگر با ارائه بحثی مشابه، تأکید خود را موقعیت فرد در سلسله مراتب اجتماعی می‌گذارند. به باور این گروه نقش افراد بالغ در تعیین ماهیت اوقات فراغت افراد نوجوان و جوان مهم است. تأثیر والدین در فرایند تصمیم‌گیری به خصوص در اوایل دوره نوجوانی و جوانی و همچنین قطع فعالیت‌های اوقات فراغت مؤثر است. موقعیتی که جوانان در سلسله مراتب اجتماعی دارند نه تنها در درک آن‌ها از عوامل و اجبارهای مؤثر در اوقات فراغت اثر می‌گذارد، بلکه مذاکره سلسله‌مراتب اجبارها را پیچیده‌تر می‌کند (هالتسمن، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۲).

رویکرد نظری تحقیق

شرکت نوجوانان در فعالیت‌های اوقات فراغت به گونه‌ای است که آنان هم از شرایط پیش از انجام فعالیت‌های اوقات فراغت تأثیر می‌پذیرند و هم در جریان انجام آن‌ها. هم چنین موقعیتی که فرد در سلسله مراتب اجتماعی دارد نیز در میزان، نوع و نحوه انجام فعالیت‌های ساختار اجتماعی و سلسله‌مراتب اجبارها بر روی اوقات فراغت اثر می‌گذارد و هم تجربیات فرد و موقعیتی که در سلسله مراتب اجتماعی دارد، در انجام این گونه فعالیت‌ها دخالت دارند. فرد با تمامی ویژگی‌های فردی خود با شرایط محیطی و ویژگی‌های آن در تعامل است. اوقات فراغت و نحوه گذران آن یکی از

شاخص‌های اساسی سبک زندگی به شمار می‌رود. به بیان دیگر شیوه زندگی افراد معمولاً خود را در گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد. در دنیای جدید این ماکس وبر بود که با طرح گروه‌های منزلتی راه را برای مطالعات سبک زندگی و فراغت و اهمیت دادن به آن باز کرد (کاتز-گرو، ۱۹۹۹). پس از او وبلن با طرح مصرف هم‌چشمانه بررسی‌های جدید سبک زندگی و فراغت طبقات تن آسا را مطرح کرد (وبلن ۱۳۸۳: ۱۰۷-۹۶).

گره گاه این سنت وبر- وبلنی، نظریات سبک زندگی و فراغتی بورديو است که با تأکید بر طبقات و سبک زندگی که او آن را عادتواره می‌نامید، دیدگاه جدیدی را در عرصه فراغت و سبک زندگی به وجود آورد. کالینز نیز از دیدی نووبری به فرهنگ طبقات توجه کرده است که یک قسمت آن در فراغت بازتاب می‌یابد. در این تحقیق از دیدگاه بورديو که جامع‌تر است استفاده می‌شود. از این رو که بورديو به عرصه و میدان توجه می‌کند، به نظریه روابطی اش، نسبیتی می‌بخشد که در جوامع دیگر نیز کاربرد دارد. وابسته به هر میدانی سرمایه‌هایی به صورت زیر شکل می‌گیرد که سبک زندگی گوناگونی را به صورت عادتواره به وجود می‌آورد این سرمایه‌ها عبارتند از:

۱. سرمایه اجتماعی، شبکه‌ای از انسان‌هایی که حاصل تعاملات آن‌ها می‌تواند گشایشی در عرصه اجتماعی آن‌ها باز کند تا به سرمایه‌های دیگر مبدل شود.

۲. سرمایه اقتصادی، سرمایه مادی و فیزیکی است که امکان مصرف و سرمایه‌گذاری را مهیا می‌کند.

۳. سرمایه‌گذاری نمادی، هنجارها، قوانین و مقررات و ارزش‌هایی است که هر سرمایه‌ای را مشروعیت می‌بخشد، حمایت می‌کند و امکان تعلق به گروه‌ها را تضمین می‌کند.

۴. سرمایه فرهنگی، حاصل تحصیلات، مدرک‌ها، مهارت‌ها و تجربه‌هایی است

که مجوز ورود به عرصه‌های را برای شخص و گروه را فراهم می‌سازد.

گذران فراغت به عنوان یک سبک زندگی می‌تواند بر حسب این چهار نوع سرمایه تغییر کند. کسانی که تحت تأثیر پایگاه خاص خانوادگی، شبکه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارند این عوامل در گذران اوقات فراغت آن‌ها مؤثر واقع می‌شود. بعلاوه چون زنان و مردان خاصه در جامعه ما دارای سبک

۲. منزلت شغل پدر، محل بالندگی فرد و دل بستگی به دوستان شاخص‌هایی برای سرمایه اجتماعی

۳. عملکرد تحصیلی دانش‌آموز، تحصیلات پدر و استفاده از وسایل و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای سرمایه فرهنگی

۴. میزان تقید مذهبی، دل بستگی به ارزش‌های مدرسه و خانواده به عنوان شاخص سرمایه نمادی

مدل تحقیق



با این توضیح فرضیه‌های زیر مطرح می‌شوند:

فرضیات تحقیق

۱. بین جنسیت نوجوانان و میزان اوقات فراغت آن‌ها رابطه وجود دارد.
۲. بین طبقه اجتماعی نوجوانان و فعالیت‌های اوقات فراغت آن‌ها رابطه وجود دارد.
۳. بین محل بالندگی نوجوانان و میزان

زندگی متفاوت هستند و میزان و نوع فراغت‌های آن‌ها تغییر می‌کند، بنابراین جنسیت به عنوان یک متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به این نظرات شاخص‌های زیر برای هر کدام از سرمایه‌ها در نظر گرفته شده است:

۱. طبقه اقتصادی-اجتماعی و درآمد پدر برای سرمایه اقتصادی

اوقات فراغت آن‌ها رابطه وجود دارد.

۴. بین دلبستگی نوجوانان به ارزش‌های مدرسه و میزان اوقات فراغت آن‌ها رابطه وجود دارد.

۵. بین دلبستگی نوجوانان به ارزش‌های خانواده و میزان اوقات فراغت آن‌ها رابطه وجود دارد.

۶. بین دلبستگی نوجوانان به دوستان و میزان اوقات فراغت آن‌ها رابطه وجود دارد.

۷. بین میزان تقید مذهبی نوجوانان و میزان اوقات فراغت آن‌ها رابطه وجود دارد.

مطالعاتی که در موقعیت اجتماعی فرد توجه داشته‌اند بر این باورند که ساختارهای اجتماعی به خودی خود به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت افراد در فعالیت‌های اوقات فراغت عمل نمی‌کنند، بلکه بیشتر موقعیت فرد در این ساختارها عامل تأثیرگذار شمرده می‌شود

۸. بین استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و میزان اوقات فراغت نوجوان رابطه وجود دارد.

۹. بین عملکرد تحصیلی نوجوانان و میزان اوقات فراغت آن‌ها رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق با رویکردی کمی انجام شده است. از روش پیمایشی و با ابزار پرسش‌نامه خودگزارشی اطلاعات مورد

نیاز جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق تمامی دانش‌آموزان دبیرستانی و هنرستان و شهرستان آباده (شهرهای آباده، بهمن، صغاد، ایزدخواست، سورمق) بوده است. نمونه مورد نیاز از جامعه فوق با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۶۵ نفر بود. اما از آنجا که امکان مفقودشدن پرسش‌نامه‌ها و یا عدم تکمیل آن‌ها از سوی دانش‌آموزان می‌رفت تعداد نمونه به ۵۰۰ نفر افزایش یافت که در مرحله جمع‌آوری ۴۹۹ پرسش‌نامه به‌طور کامل برگشت یافت. شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای بود. بدین علت نخست تمامی مدارس انتخاب شدند و سپس برحسب تعداد مدارس دخترانه و پسرانه به آن‌ها سهم داده شد. در مرحله بعد براساس تعداد سطوح تحصیلی هر مدرسه، به هر سطح تحصیلی سهم داده شد. در نهایت دانش‌آموزان هر کلاس به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. واحد نمونه‌ای تحقیق یک دانش‌آموز پسر و دختر ۱۷-۱۴ ساله دبیرستانی است. برای برآورد پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی آن بین صفر و یک است (برایمن و کرامر ۱۹۹۵: ۷۲). ضرایب پایایی طیف‌های دلبستگی به خانواده، مدرسه، دوستان به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۶، ۰/۷۰ در جهت سنجش اعتبار طیف اوقات فراغت از دو روش اعتبار محتوا و اعتبار صوری استفاده شد (نثومن، ۱۹۹۷: ۱۴۴).

متغیر وابسته

میزان اوقات فراغت

فعالیت‌های سازنده متغیر میزان اوقات فراغت عبارتند از: ورزش، بدن‌سازی، حرکات موزون، مجالس مذهبی، رفت و آمد با همسایگان، حضور در انجمن‌های هنری، ادبی و مانند آن‌ها، انجام کارهای هنری، رفتن به سینما، تئاتر، و مانند آن‌ها. حضور در کلاس‌های متفرقه، گشت و گذار در خیابان‌ها و... حضور در انجمن‌ها و مؤسسات داوطلبانه، مطالعه کتب درسی و غیر درسی، مطالعه مجله،

رفتن به موزه‌ها، بناهای تاریخی، بازدید از نمایشگاه‌ها. برای سنجش هر یک از محورها تعداد ساعات انجام هر فعالیت اندازه‌گیری شده و در نهایت یک متغیر ترکیبی در سطح مقیاس فاصله‌ای به دست آمده است.

متغیرهای مستقل

منزلت شغلی

منظور از منزلت شغلی درجه اعتباری است که شغل پدر یا مادر از نظر اجتماعی در اذهان و افکار عمومی دارد. برای تعریف کلی منزلت شغلی از مقیاس منزلت مشاغلی که مقدس آن را انجام داده استفاده شده است (مقدس، ۱۳۷۴: ۶۵-۹۴).

میزان دلبستگی و تعهدات خانوادگی و مدرسه‌ای

منظور از میزان تعهدات فرد و میزان احساس تعلق و دلبستگی وی به الزامات و قواعد حاکم بر محیط خانواده و مدرسه و همچنین کیفیت روابط متقابل فرد و اعضای اصلی در محیط‌های اجتماعی مدنظر است. برای تعریف عملی این متغیر از طیفی مشتمل بر تعدادی گویه استفاده شده است این متغیر در سطح امتیاز فاصله‌ای سنجیده شده است.

دلبستگی و معاشرت با دوستان بزهکار

منظور، میزان تعهدات فرد و میزان احساس تعلق و هم‌بستگی وی به دوستان است. این متغیر نیز با استفاده از تعریفی که مشتمل بر تعدادی گویه است، سنجیده شده و در سطح مقیاس فاصله‌ای بوده است.

وضعیت تحصیلی

هدف از آن تعیین وضعیت تحصیلی پاسخگو (معدل کل) در سال گذشته وی است این متغیر در سطح مقیاس فاصله‌ای سنجیده می‌شود.

طبقه اجتماعی

برای ارزیابی طبقه اجتماعی راه‌های مختلفی وجود دارد در این مطالعه از روش ذهنی استفاده شده است که از

پاسخ‌گویان پرسیده می‌شود که به نظر خودشان به چه طبقه اجتماعی تعلق دارند. همچنان که بروس کوئن معتقد است روش ذهنی کارایی‌اش را در جوامع پهن‌اورد و ناهمگون، ثابت کرده است

(کوئن، ۱۳۷۰: ۱۷۹). در این مطالعه از پاسخ‌گویان خواسته شده است که بگویند که در کدام یک از طبقات اجتماعی بالا، متوسط و پایین قرار دارد. این متغیر در سطح مقیاس اسمی سنجیده شده است.

ورزش مانند پیاده‌روی، والیبال، بدمیتون و...	پسرها				دخترها				بیش از ده ساعت	
	انجام نمی‌دهم	یک تا کمتر از دو ساعت	دو ساعت یا کمتر از پنج ساعت	پنج ساعت تا کمتر از ده ساعت	بیش از ده ساعت	انجام نمی‌دهم	یک تا کمتر از دو ساعت	دو ساعت تا کمتر از پنج ساعت		پنج ساعت تا کمتر از ده ساعت
بدنسازي	۱۵ ٪۶/۵	۱۳۶ ٪۵۹/۱	۵۰ ٪۲۱/۷	۱۷ ٪۷/۴	۱۲ ٪۵/۲	۴۲ ٪۱۶/۵	۱۵۷ ٪۶۱/۸	۴۳ ٪۱۶/۹	۴ ٪۱/۶	۸ ٪۳/۱
حرکات موزون، آیروبیک	۱۳۹ ٪۶۰/۴	۵۵ ٪۲۳/۹	۲ ٪۱۰/۰	۴ ٪۱/۷	۹ ٪۳/۹	۲۰۳ ٪۸۰/۲	۳۵ ٪۱۳/۸	۱۲ ٪۴/۷	۱ ٪۰/۴	۲ ٪۰/۸
مجالس مذهبی	۱۶۹ ٪۷۲/۸	۳۹ ٪۱۶/۸	۹ ٪۳/۹	۸ ٪۳/۴	۷ ٪۳/۰	۱۸۲ ٪۷۲/۸	۴۰ ٪۱۶/۰	۱۵ ٪۶/۰	۸ ٪۳/۲	۵ ٪۲/۰
رفت و آمد با همسایگان	۷۰ ٪۳۰/۸	۱۰۵ ٪۴۶/۳	۳۰ ٪۱۳/۲	۱۷ ٪۷/۵	۵ ٪۲/۲	۸۱ ٪۳۲/۱	۱۴۱ ٪۵۶/۰	۱۸ ٪۷/۱	۸ ٪۳/۲	۴ ٪۱/۶
انجمن‌های هنری، ادبی و...	۶۹ ٪۳۰/۱	۹۷ ٪۴۲/۴	۴۰ ٪۱۷/۵	۶ ٪۲/۶	۱۷ ٪۷/۴	۱۰۴ ٪۴۰/۹	۱۱۱ ٪۴۳/۷	۲۷ ٪۱۰/۶	۷ ٪۲/۸	۵ ٪۲/۰
انجام کارهای هنری	۱۲۸ ٪۵۵/۴	۶۹ ٪۲۹/۹	۲۱ ٪۹/۱	۸ ٪۳/۵	۵ ٪۲/۲	۱۳۷ ٪۵۴/۲	۸۴ ٪۳۳/۲	۲۳ ٪۹/۱	۴ ٪۱/۶	۵ ٪۲/۰
کلاس‌های متفرقه (زبان‌های خارجه، رایانه و...)	۹۲ ٪۴۱/۳	۹۱ ٪۴۰/۸	۲۰ ٪۹/۰	۹ ٪۴/۰	۱۱ ٪۴/۹	۹۳ ٪۳۷/۲	۸۶ ٪۳۴/۴	۳۸ ٪۱۵/۲	۱۶ ٪۶/۴	۱۷ ٪۶/۸
رفتن به سینما، تئاتر و مانند آنها	۱۴۳ ٪۶۱/۹	۴۳ ٪۱۸/۶	۲۴ ٪۱۰/۴	۸ ٪۳/۵	۱۳ ٪۵/۶	۱۴۹ ٪۵۸/۷	۵۳ ٪۲۰/۹	۲۴ ٪۹/۴	۲۱ ٪۸/۳	۷ ٪۲/۸
گشت و گذار در خیابان‌ها، سرزدن به پاساژها و...	۷۴ ٪۳۲/۲	۱۰۰ ٪۴۳/۵	۳۰ ٪۱۳/۰	۱۲ ٪۵/۲	۱۴ ٪۶/۱	۱۱۱ ٪۴۴/۲	۱۱۰ ٪۴۳/۸	۱۶ ٪۶/۴	۱۰ ٪۴/۰	۴ ٪۱/۶
انجمن‌ها یا موسسه‌های داوطلبانه و خیریه	۱۴۳ ٪۶۲/۷	۶۵ ٪۲۸/۵	۱۱ ٪۴/۸	۴ ٪۱/۸	۵ ٪۲/۲	۱۷۲ ٪۶۹/۹	۵۸ ٪۲۳/۶	۹ ٪۳/۷	۴ ٪۱/۶	۳ ٪۱/۲
مطالعه کتاب غیردرسی	۶۷ ٪۲۸/۹	۱۰۴ ٪۴۴/۸	۳۴ ٪۱۴/۷	۱۵ ٪۶/۵	۱۲ ٪۵/۲	۴۳ ٪۱۷/۱	۱۴۷ ٪۵۸/۳	۴۳ ٪۱۷/۱	۹ ٪۳/۶	۱۰ ٪۴/۰
مطالعه مجله	۷۴ ٪۳۲/۲	۱۱۳ ٪۴۹/۱	۲۵ ٪۱۰/۹	۱۳ ٪۵/۷	۵ ٪۲/۲	۴۰ ٪۱۵/۹	۱۵۰ ٪۵۹/۵	۳۹ ٪۱۵/۵	۱۶ ٪۶/۳	۷ ٪۲/۸
رفتن به موزه‌ها، بناهای تاریخی	۱۴۶ ٪۶۳/۸	۶۰ ٪۲۶/۲	۱۱ ٪۴/۸	۴ ٪۱/۷	۸ ٪۳/۵	۱۹۵ ٪۷۶/۸	۴۰ ٪۱۵/۷	۱۲ ٪۴/۷	۵ ٪۲/۰	۲ ٪۰/۸
بازدید از نمایشگاه	۱۱۷ ٪۵۰/۹	۵۸ ٪۲۷/۰	۷۱ ٪۲۷/۴	۴ ٪۱/۷	۷ ٪۳/۰	۱۴۰ ٪۵۵/۱	۸۹ ٪۳۵/۰	۱۶ ٪۶/۳	۶ ٪۲/۴	۳ ٪۱/۲

جدول شماره ۱ - توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب جنس و تعداد ساعات انجام اوقات فراغت

یافته‌های تحقیق

جدول شماره یک و دو نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب نوع جنسیت و نوع فعالیت‌های آن‌ها و همچنین میانگین و انحراف معیار این فعالیت‌ها در اوقات فراغت‌شان است. همچنان که ارقام نشان می‌دهد در میان کل پاسخ‌گویان ورزش‌هایی همچون پیاده‌روی، والیبال و مانند آن‌ها بیشترین میانگین را در بین دانش‌آموزان داشته است. کمترین فعالیت‌های گزارش شده مربوط به حرکات موزون و آیروبیک است. این امر نشان‌دهنده آن است که هنوز در بین دانش‌آموزان این حرکات گسترش نیافته است. در بین پسران این وضعیت حفظ شده است. به بیان دیگر بیشترین اوقات فراغت پسران صرف انجام ورزش‌هایی مانند پیاده‌روی، والیبال و مانند آن‌ها می‌شود و کمترین آن نیز به حرکات موزون و آیروبیک اختصاص یافته است. در بین دختران بیشترین فعالیت اوقات فراغت صرف انجام کارهای هنری و همچنین ورزش‌هایی مانند پیاده‌روی، والیبال و... و کمترین وقت صرف فعالیت‌های مربوط به بدن‌سازی شده است.

جدول شماره ۲ نتایج آزمون مقایسه میانگین میزان اوقات فراغت پاسخ‌گویان را برحسب جنسیت آن‌ها نشان می‌دهد. یافته‌ها رابطه‌ی بین دو متغیر فوق را مورد تأیید قرار می‌دهد (فرضیه ۱). به بیان دیگر مقدار t و سطح معنی داری نشان دهنده آن است که رابطه فوق در سطح بیش از ۹۹٪ اطمینان معنی‌دار می‌باشد. میانگین نمره فعالیت‌های اوقات فراغت پسران ۱۰/۲۹۷ است. اما این میانگین برای دختران ۷/۹۵۴ است. بنابراین پسران زمان بیشتری را صرف فعالیت‌های اوقات فراغت می‌کنند.

جدول شماره ۳ نتایج آزمون تفاوت میانگین فعالیت‌های اوقات فراغت را

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معنی داری
پسر	۲۰۵	۱۰/۷۹۲	۸/۲۲۸	۳/۵۲۱	۰/۰۰۱
دختر	۲۲۱	۷/۹۵۴	۵/۲۸۶		

جدول شماره ۲: آزمون تفاوت میانگین میزان اوقات فراغت برحسب جنس

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معنی داری
پسر	۳۰۷	۹/۵۰۸	۷/۴۰۳	۲/۰۲۹۸	۰/۰۲۸
دختر	۱۱۷	۷/۹۳۱	۵/۴۳۳		

جدول شماره ۳: آزمون تفاوت میانگین میزان اوقات فراغت برحسب محل دوران بالندگی نوجوانان

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معنی داری
بالا	۴۰	۱۵/۰۲۵۰	۸/۳۷۴۲۲	۶/۴۲۵	۰/۰۰۲
متوسط	۲۴۳	۱۰/۷۹۸۴	۶/۷۳۰۰۷		
پایین	۳۲	۱۰/۷۸۱۳	۸۷۵۵۵		

جدول شماره ۴: آزمون تفاوت میانگین میزان اوقات فراغت بر حسب طبقه اجتماعی

میانگین	انحراف معیار	میزان همبستگی	سطح معنی داری	متغیر
۲/۱۱	۱/۶۸۱	۰/۱۴۷	۰/۰۰۵	میزان درآمد پدر
۳/۶۲	۱/۰۶۲	۰/۱۰۵	۰/۰۳۷	منزلت شغلی پدر
۸/۶۲	۴/۶۰۷	-۰/۰۱۸	۰/۷۲۴	میزان تحصیلات پدر
۴۴/۹۹	۱۲/۳۰	۰/۱۵۰	۰/۰۰۰	دلبستگی به مدرسه
۲۰/۰۲	۴/۳۵	۰/۰۲۱	۰/۸۶۸	دلبستگی به خانه
۲۰/۱۵	۴/۳۱	-۰/۲۵۴	۰/۰۰۰	دلبستگی به دوستان
۱۶/۱۷	۱۱/۰۳	۰/۴۹۵	۰/۰۰۰	میزان استفاده از ICTها
۵۶/۵۳	۱۰/۲۸	۰/۱۶۲	۰/۰۰۰	میزان مذهبی بودن

جدول شماره ۵: همبستگی بین برخی از متغیرهای مستقل با میزان اوقات فراغت

برحسب محل بالندگی نوجوانان نشان می‌دهد. مقدار t و سطح معنی‌داری ($sig=0/028$) نشان‌دهنده معنی‌داری رابطه بین دو متغیر است. همچنان که آمارهای جدول نیز نشان می‌دهد کسانی که بیشتر عمر خود را در شهر گذرانده‌اند دارای میانگین انجام فعالیت‌های اوقات فراغت بیشتری نسبت به افرادی هستند که بیشتر عمر خود را در روستا گذرانده‌اند. بنابراین فرضیه چهارم تحقیق مورد تأیید است.

بنا بر فرضیه سوم تحقیق رابطه معنی‌داری بین طبقه اجتماعی و فعالیت‌های اوقات فراغت وجود دارد. جدول شماره ۴ نشان‌دهنده نتایج آزمون تفاوت میانگین فعالیت‌های اوقات فراغت دانش‌آموزان بر حسب طبقه اجتماعی آن‌هاست. مقدار ($F=6/425$) و سطح معنی‌داری ($Sig=0/0002$) بیان‌کننده آن است که بین دو متغیر یادشده رابطه معنی‌داری وجود دارد. به بیان دیگر دانش‌آموزانی که بر این باور بودند که طبقه اجتماعی آن‌ها بالاست، نسبت به دو طبقه دیگر میانگین بالاتری در گذران اوقات فراغت داشته‌اند. همچنین دانش‌آموزان طبقه متوسط نسبت به دانش‌آموزان طبقه پایین فعالیت‌های بیشتری را در هنگام اوقات فراغت خود انجام داده‌اند. لذا مشاهده می‌شود که فرضیه سوم مورد تأیید است.

جدول شماره ۵ فرضیه‌های چهارم تا هشتم را مورد آزمون قرار داده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود بین متغیرهای دلبستگی به مدرسه (فرضیه ۴) دلبستگی به دوستان (فرضیه ۶) میزان مذهبی‌بودن (فرضیه ۷) و ارتباطاتی (فرضیه ۸) و متغیر وابسته رابطه معنی‌داری در سطح بیش از ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد.

جدول شماره ۶ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره را به شیوه مرحله به مرحله برای متغیر وابسته میزان گذران اوقات

فراغت نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان دهنده آن هستند که از میان متغیرهای مستقل، چهار متغیر استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، دلبستگی به دوستان، مذهبی بودن و دلبستگی به مدرسه، محل سکونت در شهر به ترتیب وارد معادله شده‌اند. در مرحله اول متغیر استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی از متغیرهای فرهنگی دارای رابطه مثبتی با میزان اوقات فراغت داشته و توانسته است ۳۰/۲ درصد از تغییرات آن را تبیین کند. دلبستگی به دوستان دومین متغیر وارد شده در معادله است. با ورود این متغیر، توان تبیینی مدل به ۳۲/۲ درصد رسیده است.

میزان مذهبی بودن و نداشتن رابطه مثبت با متغیر وابسته سومین متغیر وارد شده در معادله است. با ورود این متغیر

به معادله، در این مرحله مدل ۳۴ درصد از تغییرات متغیر اوقات فراغت را توضیح داده است. دلبستگی به مدرسه چهارمین و آخرین متغیر وارد شده در معادله است. مقدار R^2 افزوده شده به معادله در این مرحله ۲/۱ درصد است به بیانی دیگر در آخرین مرحله توان مدل به ۳۶/۱ درصد رسیده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر نشان‌دهنده آن است که تفاوت معنی‌داری بین دخترها و پسرها در خصوص میزان اوقات فراغت آن‌ها وجود دارد. مطالعات پیشین نیز در این تفاوت تأکید داشته‌اند (واگنر ۲۰۰۶؛ هامبر و دیگران ۲۰۰۶؛ شینو و دیگران، ۲۰۰۴؛ فیلیپ، ۱۹۹۸؛ مک میکینگ و دیگران ۱۹۹۵؛ سوزان ۱۹۹۵؛ فیتز جرالند ۱۹۹۵؛ رایمر و دیگران ۱۹۹۴؛

مرحله	متغیر مستقل	R	R2	مقدار افزوده شده به R2	سطح معنی‌داری Sigf	استیاه استاندارد SE	Beta	مقدار T	SigT
اول	استفاده از ICT	۰/۵۴۹	۰/۳۰۲	۰/۳۰۲	۰/۰۰۰	۵/۷۸	۰/۵۱۳	۷/۶۷۴	۰/۰۰۰
دوم	دلبستگی به دوستان	۰/۵۶۸	۰/۳۲۲	۰/۰۲	۰/۰۰۰	۵/۷۱	۰/۱۲۵	۱/۸۷۰	۰/۰۶۳
سوم	میزان مذهبی بودن	۰/۵۸۳	۰/۳۴۰	۰/۰۱۸	۰/۰۰۰	۵/۶۶	۰/۱۵۷	۲/۴۲۶	۰/۰۱۶
چهارم	دلبستگی به مدرسه	۰/۶۰۱	۰/۳۶۱	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰	۵/۵۹	۰/۱۴۹	۰/۱۴۹	۰/۰۲۴

جدول شماره ۶: عناصر اصلی تحلیل و رگرسیون چند متغیره به روش مرحله به مرحله برای پیش‌بینی متغیر میزان اوقات فراغت

اسدی ۱۳۴۷، محسنی ۱۳۵۲؛ کیال ۱۳۵۶؛ سعیدیان و علیشاهی (۱۳۶۴). در تحقیقات گذشته مشاهده شده است که محل سکونت و یا محل تولد با اوقات فراغت افراد دارای رابطه‌ای معنی‌دار است (کیال ۱۳۵۶؛ رجبی و آقا، ۱۳۶۹). نتیجه مطالعه حاضر نیز نشان داد که رابطه معنی‌داری بین محل بالندگی دانش‌آموزان و میزان اوقات فراغت آن‌ها وجود دارد (جدول شماره ۳). پژوهش‌های پیشین نشان داده است که طبقات اجتماعی با اوقات فراغت دارای رابطه است (لارابی، ۱۹۶۱). این تحقیق نیز بین دو متغیر فوق رابطه معنی‌داری را مشاهده کرده است (جدول شماره ۴). همچنین نقش دلبستگی به مدرسه و یا دوستان در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفت (جدول شماره ۵). در مطالعات پیشین نیز بر این متغیرها به شکل حمایت یا کنترل دوستان و خانواده تأکید شده است (هامبر و دیگران ۲۰۰۶؛ کالدول و دارلینگ، ۱۹۹۹). اما رابطه بین دلبستگی به خانواده و میزان اوقات فراغت در مطالعه حاضر در سطح حداقل ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید قرار نگرفت (جدول شماره ۵). احتمالاً دلیل این امر را باید در نبود تفاوت معنی‌دار در دلبستگی دانش‌آموزان در خانواده دانست. بررسی‌های پیشین نشان داده است که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین با اوقات فراغت دارای رابطه معنی‌داری است (هلد ۲۰۰۳؛ هاملینگ، ۱۹۹۷). پژوهش حاضر نیز رابطه نسبتاً قوی بین دو متغیر فوق یافته است (جدول شماره ۵). یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار در اوقات فراغت میزان مذهبی بودن و تقید به آن است (استودولسکا و لیوبگود ۲۰۰۶؛ فرانک، ۲۰۰۶). مطالعه حاضر نیز این رابطه را مورد تأیید قرار داده است (جدول شماره ۵) با توجه به نظریات مطرح شده، سرمایه اقتصادی که طبقه اجتماعی و میزان درآمد از شاخص‌های آن است در مجموع

۱۸/۵ درصد از واریانس میزان اوقات فراغت را تبیین می‌کند. سرمایه اجتماعی که شامل منزلت شغلی پدر، دلبستگی به دوستان و محل بالندگی فرد است در مجموع ۱۸ درصد از واریانس میزان اوقات فراغت را توضیح می‌دهد. سرمایه فرهنگی که شاخص‌های آن استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و میزان تحصیلات پدر بوده است، به دلیل عدم معنی‌داری تحصیلات پدر و فراغت، ۵۰ درصد از میزان فراغت را مشخص می‌کند و بالاخره میزان تقید مذهبی، دلبستگی به مدرسه که از شاخص‌های سرمایه نمادی به حساب آمده‌اند، در مجموع ۱۸/۵ درصد از میزان فراغت را توضیح می‌دهند.

بنابراین می‌توان گفت که بیشترین تأثیرات متعلق به سرمایه فرهنگی است. در جامعه ما که اوقات فراغت، موضوعی فرهنگی و مرتبط با سبک زندگی است، عوامل فرهنگی هم در این تبیین بیشترین هم‌بستگی را با اوقات فراغت نشان می‌دهد. امکانات جدیدی که فناوری‌های جدید در اختیار بشر گذاشته شده است، گویای این مطلب است که فراغت‌ها هم به سمت این گونه فعالیت‌ها سوق داده می‌شود. بعلاوه از آنجا که در جامعه ما میزان درآمد، میزان تحصیلات و میزان منزلت شغلی با هم هماهنگی ندارد، لذا نوعی ناهماهنگی پایگاهی به وجود آمده است که درآمد و منزلت با تحصیلات هماهنگی نشان نمی‌دهد.

منابع و مأخذ

آقا (۱۳۷۱) کیفیت گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان در شهر شیراز در سال‌های ۵۶-۶۷، گزارش طرح مصوب دانشگاه شیراز، مرکز نشر دانشگاه شیراز.
اسدی، ع (۱۳۵۲) گذران فراغت در رضاییه، تهران دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر، فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲، ۱۳۵۲.
برازنده، ع (۱۳۷۷) بررسی عوامل مؤثر در گذران اوقات فراغت کارمندان بانک مرکزی در مقطع زمانی ۷۶-۷۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم

اجتماعی رجبی، م و ه. آقا (۱۳۶۹) گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان شهر شیراز، مجموعه مقالات اقتصادی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه استان فارس، شماره ۴.
سرمدی، غ (۱۳۷۸) دانشجویان و اوقات فراغت، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال اول شماره یک.

سعیدیان، ا. و ط. علیشاهی (۱۳۶۹) چگونگی گذران اوقات فراغت نوجوانان تهران: طرح مصوب واحد تحقیقات صداوسیما.

صافی، ق (۱۳۵۴) کاربرد زمان فراغت دانشجویان دانشگاه تهران: تهران چاپ خوشه.

صالحی، ن.ع (۱۳۷۸) بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت کارکنان اداره کل شیلات استان گیلان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

عابدینی، ص (۱۳۷۹) بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت و میزان مصرف کالاهای فرهنگی، مطالعه موردی، شهر مرودشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.

فردرو، م (۱۳۷۸) پایگاه اقتصادی و اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی، مورد نمونه منطقه سه و ۱۹ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: تهران دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

کوئن، ب (۱۳۷۰) درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر فرهنگ معاصر.

کیال، ع (۱۳۵۶) مطالعه و بررسی فعالیت‌های فراغتی پایین دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و تعاون در دو گروه با درآمد بالا و پایین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.

محسنی، م (۱۳۵۲) تحقیقی پیرامون اوقات فراغت در میان دانشجویان، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ و هنر، فرهنگ و زندگی، شماره ۱۲.

مقدس، ع (۱۳۷۴) منزلت شغلی در جامعه شهری ایران، مورد مطالعه شهر شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره دوم.

وبلن، ت (۱۳۸۳) نظریه طبقه مرفه، ترجمه فرهنگ و ارشاد، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.

برگرفته از:

پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی، ۱۳۸۷